در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

قتل مرد دشتستانی با همدستی همسر و برادرانش

زن جوان با همدستی برادرانش، شوهرش را به قتل رساند و برای گمراه کردن تحقیقات پلیس دست به صحنه‌سازی زدند. روز ۱۶ شهریور ۹۸ در پی اعلام واژگونی یک دستگاه موتورسیکلت و فوت راکب آن که یک مرد تبعه افغانستان بود، در جاده امامزاده ابراهیم(ع) به لحاظ مشکوک بودن صحنه تصادف علاوه بر عوامل پلیس راه، کارآگاهان پلیس آگاهی دشتستان نیز در محل حضور یافتند. در بررسی‌های اولیه به نظر می‌رسید که متوفی در اثر تصادف فوت کرده باشد، اما کارآگاهان پلیس آگاهی با دقت نظر و تیزبینی، اطلاعات لازم را در محل حادثه برای بررسی‌های کارشناسی جمع‌آوری کردند. در نتیجه بررسی‌های کارشناسی و اطلاعات دقیق میدانی مشخص شد که متوفی در نقطه‌ای دیگر به قتل رسیده و قاتل یا قاتلان جهت منحرف ساختن مسیر تحقیقات جنایی صحنه تصادف و واژگونی موتورسیکلت را ترتیب داده‌اند. کارآگاهان پلیس آگاهی با تحقیقات میدانی به همسر مقتول و دو برادرش مظنون شدند. همسر مقتول در بازجویی‌ها و تحقیقات به عمل آمده، ضمن اعتراف به بزه انتسابی اقرار کرد که به دلیل اختلافات خانوادگی همسر خود را با همدستی دو برادرش و یک نفر دیگر با ضربات چاقو به قتل رسانده‌اند.

پدر و مادر این دو کودک در گفت‌وگو با «شهروند» زندگی سخت این روزهای‌شان را روایت کردند

ماجرای مرگ و زندگی نباتی روناک و امیرعلی سه ساله

دکتر دندانپزشک در نظام پزشکی اراک به ممنوعیت مادام‌العمر از فعالیت‌های پزشکی محکوم شده است اما این رأی هنوز قطعی نیست

سیما فراهانی | زندگی نباتی و مرگ سهم امیرعلی و روناک کوچولو شد. پسر و دختر سه ساله‌ای که تقریبا یک سال پیش با مادرانشان راهی یک دندانپزشکی شدند تا کار ساده‌ای روی دندان‌های کوچک‌شان انجام شود. اما همین کار ساده به مصیبت و فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شد. هر دو روی یک تخت در یک دندانپزشکی و زیر دست یک دکتر دندانپزشک دچار عارضه‌های وحشتناکی شدند؛ روناک تاب نیاورد و بعد از ۳۸ روز جان باخت. امیرعلی اما زنده ماند ولی چه زنده ماندنی؛ او حالا ۸ ماه است که فقط روی تخت خوابیده و تنها نفسش است که می‌رود و می‌آید. نه می‌تواند حرف بزند و نه می‌تواند راه برود. او حالا با چهار سال سن به زندگی نباتی محکوم شده است. در حال حاضر بعد از گذشت تقریبا یک سال از حادثه‌ای که برای روناک افتاده و ۸ ماه از اتفاقی که برای امیرعلی افتاده، هنوز پرونده در نظام پزشکی اراک و دادسرا بلاتکلیف مانده و با وجود محکومیت خانم دکتر، باز هم به دلیل اعتراض او پرونده در تجدید نظر بررسی می‌شود. هنوز این پرونده سرگردان است و مجازاتی هم برای پزشکی که قصور کرده در نظر گرفته نشده است. تنها درخواستی که این دو خانواده پس از ماجرای هولناکی که در سرنوشت‌شان رقم خورده، دارند، همین است.

فقط می‌خواهم مسبب مرگ دخترم مجازات شود

یک سال از آن شهریور ماه شوم برای خانواده رضایی‌زاده می‌گذرد. از آن روزی که روناک سه ساله را برای پر کردن دندان‌هایش به یک مطب دندانپزشکی در اراک بردند. دختربچه را برای درمان داخل اتاق بردند؛ روناک خون‌دماغ شده بود، ترسیده بود و درنهایت هم این دختر کوچولو نتوانست تاب بیاورد و درست هنگام درمان دندان‌هایش دفتر زندگی‌اش برای همیشه بسته شد. روناک ۳۸ روز روی تخت بیمارستان بود و بعد از آن نفسش قطع شد، مرگ مغزی شد و همه چیز تمام شد. حالا نسرین، مادر روناک، بعد از گذشت یک سال هنوز هم برای دخترش که به آسانی او را از دست داد، آن هم در مقابل چشمانش اشک می‌ریزد. تنها چیزی که او را آرام می‌کند، روشن‌شدن تکلیف این پرونده و مجازات مسببان مرگ دخترش است. نسرین هنوز هم لحظه مرگ دخترش را از ذهنش نمی‌تواند دور کند. این مادر جوان هنوز هم باور ندارد که درمان دندان دردانه‌اش به بهای از دست‌دادن او تمام شد. او در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» از این یک سال پر از رنج و عذاب می‌گوید:

•••

• پرونده مرگ روناک به کجا رسیده است؟

در پرونده او قصور پزشکی صددرصد مشخص شده است. در نظام پزشکی هم وقتی این اتفاق افتاد، آن دندانپزشک به ممنوعیت مادام‌العمر از فعالیت‌های پزشکی محکوم شد؛ ولی به این رأی اعتراض کرد و این پرونده به تجدید نظر نظام پزشکی اراک فرستاده شد اما هنوز تکلیف مشخص نشده است و در دادسرا هم می‌گویند باید رأی در نظام پزشکی قطعی شود تا بتوان مجازات را برای این دکتر تعیین کرد.

• این خانم الان آزاد است؟

بله؛ همان زمان با قرار وثیقه آزاد شد و الان هم در تهران زندگی می‌کند با شوهرش از اراک رفتند و فقط می‌دانیم که در تهران است؛ دیگر هیچ خبری از او نداریم.

• یعنی اصلا بعد از این اتفاق او را ندیدید؟ برای بخشش و پیگیری به سراغ‌تان نیامد؟

نه اصلا؛ حتی یک‌بار هم دلجویی نکرد. دو بچه زیر دست همین خانم زندگی‌شان نابود شد ولی او حتی یک عذرخواهی و یا دلجویی نکرد. بعد از مرگ روناک، او همچنان به کارش ادامه می‌داد. تازه تبلیغات مطبش را هم در کل اراک بیشتر کرد و من فقط عذاب می‌کشیدم. تا این‌که چند ماه بعد امیرعلی هم زیر دست همین خانم به زندگی نباتی دچار شد و بعد از آن در مطب را پلمپ کردند.

• پس یعنی هنوز بحث دیه هم به نتیجه نرسیده است؟

از آن‌جا که پرونده روناک و امیرعلی با هم یکی است، منتظر نتیجه آخرین مرحله پزشکی قانونی امیرعلی هستیم تا بعد از آن میزان دیه و پرداخت آن مشخص شود؛ ولی فعلا که هیچ پولی دریافت نشده است اما باور کنید برای ما پول مهم نیست. من فقط می‌خواهم مسبب مرگ دخترم مجازات شود، پرونده‌اش به نتیجه‌ای برسد و حداقل تسکینی باشد بر دل زخم خورده ما.

• فقط همین یک فرزند را داشتید؟

بله؛ دخترم تازه سه ساله شده بود. او جلوی چشمانم پرپر شد. من دو بار مرگ او را به چشم دیدم؛ یک‌بار در مطب و زیر دست دندانپزشک، یک‌بار هم در بیمارستان وقتی دیگر نفسش قطع شد و جان داد.

• آن روز برای چه کاری دخترتان را به این دندانپزشکی بردید؟

می‌خواستم دندان‌های دخترم را پر کنم.

• چطور شد که این حادثه برای روناک پیش آمد؟

وقتی روناک را داخل اتاق بردیم، سه نفر دست و پایش را گرفتند. از طرفی ناگهان روناک دچار خونریزی بینی شد. از خانم دکتر خواستم دخترم را رها کند، اجازه دهد خونریزی رفع شود ولی او یک پنبه داخل بینی دخترم کرد و گفت اتفاقی نمی‌افتد اما پس از پنج دقیقه صورت و بدن دخترم رو به کبودی رفت. آن‌جا امکانات برای احیای کودک وجود نداشت، چشمان دخترم را دیدم که از حرکت ایستاد. آن خانم پنبه لوله‌ای را از بینی کودکم خارج کرد، حجم زیادی خون از بینی روناک خارج شد و بلافاصله از طریق اورژانس دخترم را به بیمارستان امیرکبیر اراک منتقل کردند. دخترم به کما رفته بود و بعد از ۳۸ روز پس از آن‌که سطح هوشیاری‌اش کم و کمتر شد، اعضای حیاتی بدنش مثل قلب و ریه یکی‌یکی از کار افتاد و روناک تسلیم مرگ شد. روناک مرد و زندگی ما هم نابود شد. الان یک سال است که ما زندگی نمی‌کنیم. لحظه مرگ روناک و لحظه‌ای که روی تخت مطب در حالی که سه نفر او را گرفته بودند و کبود شده بود را هرگز فراموش نمی‌کنم. حالا هم فقط می‌خواهم مسبب مرگ دخترم مجازات شود. در این یک سال حادثه فراموش شده و پرونده هم به هیچ کجا نرسیده است. کاش کسی به فریاد ما هم گوش می‌کرد.

زندگی نباتی امیرعلی

سه سال و نیم بیشتر نتوانست مثل بقیه بچه‌ها زندگی کند، کودکی کند، شیطنت کند و بخندد. سهمش فقط همین سه سال و نیم بود. بعد از آن در یک دندانپزشکی زندگی‌اش نابود شد، بی‌آن‌که حتی بتواند حرف بزند و بخندد، روی زمین افتاده و پدرش و مادرش از او پرستاری می‌کنند. ۸ ماه است که امیرعلی نتوانسته حتی راه برود؛ روی زمین دراز کشیده و لحظه‌های نابودی زندگی‌اش را تماشا می‌کند. پسربچه‌ای که او هم زیر دست دندانپزشک روناک دچار ایست قلبی شد و به دلیل نرسیدن اکسیژن به مغزش محکوم به زندگی نباتی شد. تاسوعا و عاشورای همین امسال بود که تصاویر امیرعلی در کوچه و خیابان‌های شهر اراک به چشم می‌خورد. خانواده او از عزاداران حسینی می‌خواست برای شفای پسرشان دعا کنند. غلام ترابی، پدر امیرعلی، ۸ ماه زندگی سخت و طاقت‌فرسای‌شان را روایت می‌کند:

•••

• چه شد که پسرتان را در اراک به آن مطب بردید؟

من از اتفاقی که در آن مطب افتاده بود، خبر نداشتم. خانواده من و همسرم در اراک زندگی می‌کنند؛ ولی ما خودمان در تهران زندگی می‌کردیم. آن زمان برای میهمانی به اراک رفته بودیم که همسرم به همراه پدرزنم امیرعلی را به مطب دندانپزشکی می‌برند تا دندان‌هایش را بکشند اما دکتر می‌گوید باید دندانش را به جای کشیدن ترمیم کنیم. آنها یک میلیون و خرده‌ای واریز می‌کنند تا دندان‌های پسرم ترمیم شود ولی این اتفاق برایش می‌افتد.

• دقیقا چه اتفاقی افتاد؟

همسرم می‌گوید چند متر عقب‌تر ایستاده بوده؛ ولی دیده که سه نفر دست و پای پسرم را گرفته‌اند و آن خانم هم مشغول به کارش شده؛ اما دقایقی بعد پسرم دچار ایست قلبی می‌شود و این زن هم اصلا کار احیا را بلد نبود. بلافاصله شوهرش را که او هم دندانپزشک بود و طبقه بالای همان مطب کار می‌کرد، صدا می‌زد. همزمان اورژانس هم می‌رسد و پسرم به بیمارستان منتقل می‌شود. امیرعلی به زندگی برمی‌گردد ولی به دلیل نرسیدن اکسیژن به مغزش قسمتی از مغزش آسیب می‌بیند.

• امیرعلی چرا ایست قلبی کرد؟

هنوز دلیل اصلی مشخص نیست، ولی براساس تحقیقات امیرعلی هم بر اثر ترس و هم گویا بر اثر دوز بالای داروی بی‌حسی دچار ایست قلبی شد.

• چه شد که با این مطب آشنا شدید؟

وقتی به اراک رفتیم، متوجه تبلیغات زیاد این مطب شدیم؛ همه جا تبلیغ کرده بود؛ حتی بخشی از خدماتش را هم رایگان اعلام کرده بود. همین تبلیغات باعث شد که به آن‌جا برویم ولی اگر می‌دانستیم که چند ماه قبل یک دختربچه در آن‌جا فوت کرده هیچ وقت به آن‌جا نمی‌رفتیم؛ گویا چون علت مرگ روناک و قصور پزشکی هنوز مشخص نبود، برای همین مطب را هم پلمپ نکرده بودند.

• پرونده شما به کجا رسیده است؟

در نظام پزشکی که هنوز بلاتکلیف است؛ با وجود صدور رأی اما به خاطر اعتراض پرونده هنوز در تجدید نظر است. الان سه ماه است که پرونده در تجدید نظر مانده و هنوز جوابی نگرفتیم. درباره دادسرا هم باید پرونده در نظام پزشکی مشخص شود و بعد از آن رأی صادر شود. در خصوص پرداخت دیه هم به امیرعلی یک سال طول درمان داده‌اند تا وضعیتش ثابت شود و مشخص شود که چه میزان دیه باید دریافت شود؛ ولی پول برای ما مهم نیست. من فقط سلامتی پسرم را می‌خواهم.

• حال امیرعلی چطور است؟

تا دو ماه پیش از طریق یک لوله که به معده‌اش وصل بود، مایعات را به او می‌خوراندیم؛ ولی خدا را شکر الان آن لوله را برداشته‌اند و غذاهای له‌شده را به او می‌دهیم. هر روز هم باید کلاس‌های کار درمانی برود؛ دست و پاهایش کمی نرم شده است ولی همچنان زندگی نباتی دارد، می‌خوابد و بیدار می‌شود و به او غذا می‌دهیم.

• پزشکان درباره وضع سلامت او چه می‌گویند؟

آنها هیچ امیدواری که امیرعلی مثل قبلش شود به ما نمی‌دهند. می‌دانیم که دیگر پسرمان مثل گذشته نخواهد شد؛ آن پسربچه بازیگوشی که هر روز وقتی از سر کار برمی‌گشتم با هم کشتی می‌گرفتیم، بازی می‌کردیم و به پارک می‌رفتیم، دیگر هرگز او را نخواهم دید. فقط کمی در عضلاتش شاهد پیشرفت بوده‌ایم که نرم‌تر شده است و تکان می‌خورد. حتی خود امیرعلی بود که آن لوله‌ای که در بینی‌اش بود را با دستانش برداشت.

• شما آن خانم دکتر را دیده‌اید؟

روزی که امیرعلی را به مطب بردند، من همراه‌شان نبودم. برای همین اصلا آن زن را ندیدم؛ چراکه بعد از حادثه هم حتی یک‌بار به دیدن‌مان نیامد و هیچ دلجویی نکرد.

• هزینه‌های درمان امیرعلی را خودتان پرداخت می‌کنید؟

بله؛ هزینه‌هایش زیاد است. ۲۰ روز نخست این حادثه فقط ۲۵ میلیون تومان هزینه کردم. الان حداقل روزی ۱۰۰ هزار تومان بابت کلاس‌هایش پرداخت می‌کنم؛ هزینه‌های پزشک مغز و اعصابش هم از یک طرف. الان امیرعلی به همراه همسرم در اراک نزد خانواده من و همسرم زندگی می‌کنند. برای این که من سر کارم و همسرم به تنهایی نمی‌تواند از پس کارهای امیرعلی بربیاید؛ برای همین من هم می‌روم و به آنها سر می‌زنم. زندگی ما واقعا از هم پاشیده و من هم هر چه درآمد دارم، خرج پسرم می‌کنم. با این حال این مسائل اصلا مهم نیست و من برای سلامتی پسرم حاضرم همه زندگی‌ام را بدهم.

• شغل شما چیست؟

جوشکارم و در تهران کار می‌کنم.

• فقط همین یک فرزند را دارید؟

بله؛ امیرعلی الان ۴ سال و ۴ ماه دارد.

استان

در بازدید شهردار اصفهان و مدیران شهری مطرح شد

پیشرفت ۷۰ درصدی پروژه نمایشگاه بین‌المللی بزرگ اصفهان

اصفهان – بهمن راعی | میزان پیشرفت فیزیکی پروژه نمایشگاه بین‌المللی بزرگ اصفهان که در منطقه شرق این کلانشهر ساخته می‌شود به ۷۰ درصد رسیده و روند اجرای آن با سرعت در حال انجام است. به گزارش خبرنگار ما از اصفهان، شهردار اصفهان در بازدید از پروژه در حال ساخت نمایشگاه بین‌المللی بزرگ که نخستین شهرک نمایشگاهی کشور محسوب می‌شود، با ابراز رضایت از روند ساخت و تکمیل این طرح عمرانی، گفت: با مدیریت جدید شرکت نمایشگاه اصفهان، در این پروژه رکود تبدیل به حرکت شده است و تحول بزرگی در اجرای پروژه‌های شهری ایجاد کرده است. دکتر قدرت‌الله نوروزی با اشاره به فعالیت‌های متعدد انجام شده برای تبدیل این پروژه به فعال‌ترین پروژه کلانشهر اصفهان، افزود: تاکنون نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان فعالیت عمرانی برای تکمیل این پروژه بسیار مهم اقتصادی انجام شده است. وی با تجلیل از فعالیت‌های انجام شده در راستای صرفه‌جویی‌های مالی و اعتباری در نمایشگاه بین‌المللی بزرگ اصفهان، اظهار داشت: صرفه‌جویی‌های صورت گرفته در این پروژه، اقدامات بسیار مطلوبی بوده که در عین حفظ کیفیت انجام شده است.

استان

تقدیر مشاور اجتماعی وزیر نفت از مدیرعامل گاز گلستان

شربتدار: گلستان | به گزارش روابط عمومی، طالبیان مشاور اجتماعی وزیر نفت و دبیر چهارمین همایش مسئولیت اجتماعی صنعت نفت بهمراه منوچهری مدیرعامل شرکت OIEC و رئیس شورای سیاستگذاری همایش مذکور، با ارسال لوح تقدیر مشترک از زحمات و تلاش های ارزنده مهندس رحیمی مدیرعامل گازگلستان تشکر و قدردانی کردند. در این لوح که در زمینه توجه و عمل به مسئولیتهای اجتماعی و تدوین و ارائه گزارش عملکرد گاز گلستان در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت اهداء شد، توفیقات روزافزون مدیرعامل و کارکنان گاز گلستان را در مسیر بالندگی فعالیتها و توسعه مسئولیت اجتماعی در راستای توسعه پایدار مسالت نمودند. درهمین رابطه مهندس رحیمی مدیرعامل گازگلستان نیز به نوبه خود ازحسن ارادت مشاور اجتماعی وزیر نفت و مدیرعامل شرکت OIEC تقدیر نموده و هرگونه خدمت و تلاش در این خصوص را توفیق و افتخار ارزشمندی برای خود و مجموعه گاز گلستان دانست.

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت پخش سها هلال سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۰۶۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۷۷۰۶۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت ارقام نگر آریا به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۱۷۶۳۲ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و خدمات مالی ابرار اندیشان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۲۳۲۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۹۶۶۷۵)

تاسیس موسسه غیر تجاری داوری ندا لطیفی درتاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۵ به شماره ثبت ۴۸۰۳۹ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۵۷۲۹۹۹ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع : ارائه خدمات داوری داخلی و بین المللی درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان تهران ، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران، محله باغ فیض ، خیابان بهشت ، خیابان پیامبر مرکزی ، پلاک ۰، ساختمان مسکونی پیامبر M ، طبقه چهارم ، واحد ۷ کدپستی ۱۴۷۳۶۴۷۸۶۴ سرمایه شخصیت حقوقی : ۱۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد. اسامی و میزان سهم الشرکه شرکا : خانم ندا لطیفی به شماره ملی ۱۷۵۴۹۴۹۴۰۱ دارنده ۹۹۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم آیه منجزی علی صالح به شماره ملی ۱۹۷۲۲۳۷۴۱۱ دارنده ۱۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه اولین مدیران : خانم ندا لطیفی به شماره ملی ۱۷۵۴۹۴۹۴۰۱ و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود خانم آیه منجزی علی صالح به شماره ملی ۱۹۷۲۲۳۷۴۱۱ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا : امضا کلیه اسناد واوراق مالی واسنادرسمی وتعهدآور موسسه ازقبیل چک-سفته وبروات ومکاتبات اداری وعادی و قراردادها و بطورکلی هرگونه قراردادی که برای موسسه ایجاد تعهد می نماید با امضا مدیر عامل منفردا همراه بامهر موسسه معتبراست. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه ثبت موضوع فعالیت مذکور،به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۹۶۶۸۳)

آگهی تغییرات شرکت نوتریکا سبز ماهان با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۵۳۸۴۶۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۸۶۷۹۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آدرس شرکت به: استان تهران ، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران، جنت آباد مرکزی ، خیابان دانش ، خیابان جنت آباد ، پلاک ۱۹۵ ، ساختمان تجاری - اداری طوبی ، طبقه منفی ۱ ، واحد ۹۴ کد پستی ۱۴۷۵۶۳۴۷۸۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۹۶۶۸۵)

مفقودی
کارت بازرگانی به نام محمدرضا نقی پور به شماره کارت ۱۳۷۸۱۳۹۸۰۱ و کد ملی ۱۳۷۸۱۳۹۸۰۱ و تاریخ انقضاء ۹۹/۰۱/۲۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
کارت ماشین پژو ۲۰۶ هاچ بک به شماره پلاک ۵۵ ایران ۱۶۲ د ۵۵ و شماره موتور ۱۴۱۹۰۰۰۱۵۴۸ و شماره شاسی NAAP۰۳ED۷BJ۴۹۶۹۸۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
دفترچه قرارداد مسکن پروژه چیتگر بتاجا به شماره ۸۸۱۱۵۱۸۵ به نام ملک علی اسدی فرد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.